

## عربستان تمایلی به حل بحران قطر ندارد

سایت «اوراسیا ری ویو» در تحلیلی نوشت: بحران قطر در برخی حوزه ها تداوم می یابد و در برخی حوزه ها نیز دوحه دیدگاههای خود را تعدیل می کند.



به گزارش آرآن نیوز: سایت تحلیلی «اوراسیا ری ویو» در تحلیلی به قلم «جواد حیران نیا» (دبیر گروه خلیج فارس مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه) به بررسی آینده بحران قطر و چشم انداز نشست کمپ دیوید در خصوص این بحران پرداخته است که ترجمه آن در ادامه آمده است.

بیش از یک سال پیش عربستان سعودی، مصر، بحرین و امارات متحده عربی با اعلام آنچه حمایت قطر از تروریسم خواندند روابط دیپلماتیک خود را با این کشور قطع کردند.

این تصمیم چند روز بعد از دیدار دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا با رهبران کشورهای اسلامی در ریاض صورت گرفت که گفته می شود در آن نشست ترامپ با اشاره به امیر قطر از او به عنوان حامی تروریسم در منطقه یاد کرده بود.

به رغم این موضوع دولت واشنگتن سعی کرد در حل این بحران ایفای نقش کند که تاکنون موفق به انجام آن نشده است. در تلاشی دیگر دولت ترامپ از اعضای شورای همکاری خلیج فارس دعوت کرده تا پاییز امسال در «کمپ دیوید» گرد هم آیند تا راهکاری برای این بحران پیدا شود.

پرداختن به این موضوع که آیا بحران قطر در نشست کمپ دیوید قابل حل و فصل است مستلزم پرداختن به دلایل شکل گیری بحران و زمینه های تطویل آن است.

باید توجه داشت که متعاقب بحران سیاسی قطر در ۱۵ خرداد ۱۳۹۶، در دوم تیر ماه، شورای همکاری خلیج فارس شروط ۱۳ گانه خود را به قطر جهت از سرگیری روابط اعلام کردند. متعاقب آن، محمد بن عبدالرحمن آل ثانی وزیر خارجه قطر نیز تقاضاهای کشورهای تحریم کننده قطر برای از سرگیری روابط خود با دوحه را واقعی و قابل اجرا ندانست؛ شروطی که در واقع، از میان بردن استقلال قطر را نشانه گرفته اند.

اما دوحه این شروط را نپذیرفت و اجرای این شروط را به عمل متقابل کشورهای تحریم کننده مشروط کرد. از سوی دیگر، دولت قطر همکاری های نظامی و اقتصادی با ترکیه و همکاری های اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران را تقویت کرد. همچنین قطر توافق نامه مبارزه با تروریسم و منابع مالی آن را با آمریکا امضا کرد.

اختلاف بین قطر و همسایگان آن به سالها قبل باز می گردد. بذر اختلاف امروز در سال ۱۹۹۵ کاشته شد زمانی که «حمد بن خلیفه آل ثانی» توانست در طی یک کودتای سفید پدر خود را شکست داده و بر کرسی قدرت تکیه زند. وی بلافاصله بعد از به قدرت رسیدن شبکه ماهواره ای الجزیره را افتتاح نموده و اقداماتی را اتخاذ نمود که در تقابل با دولتهای عرب حاشیه خلیج فارس بود.

در آن زمان حمد بن خلیفه از سوی کشورهای عربی به ارتباط نزدیک با رهبران اخوان المسلمین متهم شد که این موضوع نیز بر نگرانی کشورهای عربی افزود. بحرین، مصر و عربستان اخوان المسلمین را محکوم کرده و آن را یک سازمان تروریستی می دانند. تنش بین قطر و همسایگان بعد از بهار عربی در سال ۲۰۱۱ تشدید شد. حمایت مستمر این کشور از اخوان المسلمین و سایر گروههای مخالف با کشورهای عربی بر خشم پادشاهی های حاشیه خلیج فارس افزود.

زمانی که حمد در سال ۲۰۱۳ قدرت را به پسرش «تمیم بن حمد آل ثانی» تحویل داد، بسیاری بر این باور بودند که قطر سیاست های همسو با کشورهای عربی در پیش می گیرد اما این اتفاق رخ نداد. باز هم حمایت قطر از اخوان المسلمین در سال ۲۰۱۴ باعث شد رهبران عربستان، مصر، بحرین و ... سفیران خود را از این کشور فرا خوانند. در همان سال، تحت فشار عربستان سعودی، تمیم توافق نامه ای محرمانه با این کشور امضاء نمود مبنی بر این که قطر از اقدامات خلاف منافع ملی کشورهای عربی پرهیز نماید. اما با علنی شدن توافق در سال بعد، جهان متوجه این واقعیت مهم شد که قطر نه تنها مسیر خود را تغییر نداده بلکه فاصله خود را از آنها بیشتر کرده است.

### نقش امارات در بحران قطر

ولیعهد امارات در سفری که به آمریکا داشت نقش مهمی در رویکرد ترامپ نسبت به ریاض بازی کرد و همچنین با توجه به رویکرد ضد اخوانی امارات، وی در این سفر توانست نگاه ضد قطری ترامپ را تقویت کند و ما شاهد بودیم که ترامپ در توثیق های خود چند بار قطر را به حمایت از تروریسم متهم کرد.

تمامی تلاش های اخیر برای فشار بر قطر توسط امارات متحده عربی پیگیری و هدایت می شوند و سعودی ها فقط نقش حمایتی دارند. اماراتی ها قطر را تنها رقیب مستقیم و تنها رقیب سرمایه گذاری خود در منطقه می بینند.

امارات که از حمایت های عربستان و آمریکا برخوردار است سفر ترامپ به عربستان را فرصتی مناسب برای برقراری ارتباط نزدیکتر با آمریکا و مهار سیاست تکروی قطر یافت. امارات بر این باور است که این فشارها موجب تسلیم شدن قطر و فاصله گرفتن دوحه از ایران، حماس و اخوان المسلمین خواهد شد.

امارات از این سیاست ها به دنبال مسئله دیگری است و آن اینکه آمریکا پایگاه نظامی خود را از قطر به امارات منتقل کند. در صورت موفقیت امارات در منتقل کردن پایگاه نظامی آمریکا از قطر به امارات، این کشور سعی خواهد کرد اهداف خود درباره جزایر سه گانه ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی را که مدعی مالکیت آنها است را نیز پیش ببرد.

نقش عربستان

یکی از این دلایل بحران قطر رقابت دو خاندان سلطنتی در عربستان و قطر است. قطر کشور بسیار موفق است و در حال حاضر مثل یک «دارالحکمه» بزرگ در منطقه و برای بسیاری از اعراب روشنفکر است. این کشور دارای زیرساخت های آموزشی بسیار قوی است که یک منبع علمی قوی برای قطری ها محسوب می شود. تمامی این زیرساخت ها موجب شده است تا قطر بطور قابل ملاحظه ای فراتر از وزن خود عمل کند. سعودی ها هیچ یک از دستاوردهای قطر را ندارند و به نفوذ قطر در سطح جهانی حسادت می ورزند.

تحریم قطر توسط عربستان، توانایی خاندان سلطنتی سعودی به عنوان خادمین حرمین شریفین و یک نیروی حافظ صلح در میان ملت های مسلمان را زیر سوال برده است.

عربستان سالانه ۴۲۰ میلیون تن و قطر ۲۰۰ میلیون تن نفت صادر می کند و اگر این حجم از صادرات را بر جمعیت این کشورها تقسیم کنیم قطر برتری ۷.۵ برابری نسبت به عربستان خواهد داشت.

این ثروت عظیم موجب شده تا بعد از جنگ سرد دو بار شاهد درگیری نظامی بین قطر و عربستان باشیم و عمده درگیری ها در مناطقی اتفاق افتاده است که میادین نفتی قرار دارد.

عربستان به دنبال هژمونی در منطقه است و نمیتواند کشوری مانند قطر را تحمل کند، عربستان نمی تواند تحمل کند قطر با گروه های غیردولتی در منطقه ارتباط داشته باشد و از فضاهای منطقه برای تبدیل شدن به یک بازیگر منطقه ای و بین المللی استفاده کند. همچنین ارتباط قطر با ترکیه و ایران نیز برای سعودی ها قابل پذیرش نیست.

جریان جدیدی که ترکیبی از سلفی گری و اخوان است در عربستان ظهور کرده که ترس سعودی ها از این جریان نوسلفی ها است. قطر هم حامی اخوان المسلمین است و این زنگ خطری برای عربستان بوده و هست.

نقش آمریکا

ایالات متحده آمریکا و قطر از دهه ۱۹۷۰ تاکنون دارای روابط اقتصادی و سیاسی قوی با یکدیگر بوده اند. به ندرت روابط همکاری قوی آنها در پی تحولات منطقه ای و داخلی تضعیف شده است.

با توجه به مواضع اتخاذ شده دستگاه دیپلماسی آمریکا و اقدامات پنتاگون از زمانی که بحران قطر فوران کرده می توان گفت که واشنگتن قصد دارد به همکاری نزدیک با تمامی اعضای شورای همکاری خلیج فارس در جنگ علیه تروریسم ادامه دهد. با این وجود مواضع پیچیده واشنگتن در قبال تحولات قطر، ماهیت چندبعدی و پیچیده این رخداد سیاسی و اتهامات مطرح شده علیه کشور غنی از گاز قطر را نشان داده است.

در واقع، مقامات ارشد دو حزب جمهوری خواه و دموکرات در واشنگتن انگشت اتهام خود را به سوی ریاض و دوحه نشانه گرفته و هر دو کشور را مقصر ایجاد بحران در منطقه خاورمیانه می دانند.

قطر و آمریکا در ۱۱ جولای توافقنامه ضد تروریسم را امضاء کردند. به نظر می رسد این توافقنامه، اتهامات حمایت از تروریسم علیه دوحه را کاهش داده و باعث تمرکز عملیات ضد تروریستی بر ریاض و دیگر پایتخت های عربی حاشیه خلیج فارس به علت حمایت آنها از گروه های افراطی مانند داعش شود.

در حال حاضر ایالات متحده آمریکا تلاش می کند بحران قطر را هر چه سریعتر خاتمه دهد. زیرا همبستگی کشورهای عربی جهت مقابله با ایران در منطقه خاورمیانه برای آمریکا بسیار مهم بوده و ترس نزدیک شدن ایران به قطر خواب را از چشمان سیاستمداران آمریکایی ربوده است.

موضع ترامپ در قبال قطر نیز به صورت محسوس تغییر یافته چرا که پیشتر رئیس جمهوری آمریکا دوحه را بخشی از مشکل می دانست ولی اکنون تاکید دارد که قطر در مسیر مبارزه با تروریسم قدم بر می دارد و دوست و شریک خوب آمریکا است. این تغییر موضع بی ربط به اقدام دوحه در خرید تسلیحات جنگی از رئیس جمهور تاجر مآب آمریکا نیست.

ترامپ در تعامل با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که حرص و ولع بسیار زیادی برای خرید تسلیحات آمریکایی در مقابل دشمن فرضی خود یعنی ایران بنا به تحریک واشنگتن دارند سود بسیار زیادی به جیب می زند و به هیچ عنوان نمی تواند از این سود سرشار چشم پوشی کند بنابراین مجبور است هر گونه اختلاف میان این کشورها را از بین ببرد.

در دستور کار قرار گرفتن طرح جدید آمریکا با عنوان «ائتلاف راهبردی خاورمیانه» موسوم به ناتوی عربی نشان از این دارد که واشنگتن خواهان اعمال نظم مورد نظر خود از بالا به پایین است. این طرح نشان از این دارد که نه عربستان و نه شورای همکاری خلیج فارس توان مدیریت بحرانهای منطقه ای چه در رابطه با ایران و چه در رابطه با خود اعضای شورای همکاری خلیج فارس را ندارند.

این طرح نشان می دهد که از این پس حضور و مداخله آمریکا در مسائل منطقه، مستقیم و بلاواسطه خواهد بود. هیچ کشوری از جمله عربستان، نقشی محوری در هیچ ائتلافی نخواهد داشت و این پیام باید به وضوح توسط اروپا و چین، درک شود.

چشم انداز آینده

قطر تلاش خواهد کرد تا رویارویی اخیر را کم کند. رهبری قطر نمی تواند سیاست های اصلی منطقه ای خود را تحت فشار دیگر کشورها تغییر دهد بدون اینکه مشروعیت سیاسی خود را از دست دهد. اگر به خواسته های عربستان تن دهد در آینده این مسئله تبدیل به یک رویه خواهد شد و نهایتاً این مسئله به مفهوم واگذاری اداره سیاسی کشور خواهد بود.

باید توجه داشت که کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و در رأس آنها عربستان هیچ تمایلی برای پایان دادن به این بحران ندارند چرا که عادل الجبیر وزیر خارجه عربستان اخیراً تأکید کرده که این مسأله در نشست سران عربی در این کشور بررسی نشد. امیر قطر نیز که پیشتر اعلام شده بود برای شرکت در این نشست شخصاً به عربستان می رود از تصمیم خود منصرف شده و در این نشست شرکت نکرد.

مطابق نظریه سازه انگاری (constructivism) سیاست خارجی هر کشوری متأثر از منافع است و منافع نیز متأثر از هویت آن است. بر اساس تحقق شروط عربستان به معنای این است که قطر سیاست خارجی خود را اساساً تغییر دهد. این به معنای این است که دوحه تغییر اساسی در منافع کشور خود به وجود آورد که مستلزم تغییر اساسی هویت این کشور است که امری قابل پذیرش برای دوحه نیست.

لذا پیش بینی می شود که منازعه در برخی حوزه ها تداوم داشته باشد و در برخی حوزه ها و شروط تعیین شده نیز دوحه دیدگاههای خود را تعدیل کند.